

# پیکر



## میم ته سالاری!

امروز با انتشار تصاویر مجید توکلی که او را «میم ته» می خوانیم، با چهره واقعی «اوپوزیسیون» حکومت اسلامی و اربابان این حکومت آشنا شدیم: فریب، پفیوزی و خودانکاری در اوج خود. به گزارش حناز چوبه، مورخ ۱۷ آذرماه ۱۳۸۸، میم ته، دانشجوی اخراجی دانشگاه، روز گذشته در دانشگاه تهران حضور یافته و پس از هتاکی به مقامات، با چادر و مقنعه قصد فرار داشته که دستگیر می شود. تصاویر این شخصیت برجسته، با ریش و سبیل و بدون ریش، با مقنعه و چادر در حناز چوبه انتشار یافته، و بازتابی است از ماهیت واقعی طاعون سبز، حکومت اسلامی و اربابان این حکومت در لندن و واشنگتن.

پس از گذشت حدود ۶ ماه از سخنان رهبر حکومت اسلامی در دانشگاه تهران در باب رعایت قانون، امروز اژه ای، دادستان کل

حکومت مقدس از خواب خرگوشی پریده، به یاد آورد که قانون شکنی و بر هم زدن نظم عمومی جرم است! همزمان با آشفته شدن خواب اژه‌ای، سخنگوی وزارت امور خارجه حکومت اسلامی نیز به یاد آورد که حکومت کذا هرگز با «تبادل اورانیوم»، طرح پیشنهادی شورای حکام در وین مخالفت نکرده! می‌بینیم که تغییر چهره، خودانکاری و مرزشکنی و پفیوزی سکه رایج جمکران شده و به پیروی از مقامات جمکران است که «میم‌ته» نان را به نرخ روز می‌خورد.

اصل مطلب یعنی رخدادهای چنین می‌گوید که، مرد جوانی به بهانه ابراز مخالفت با حکومت، به مقامات حکومتی که مدعی تقدس الهی است توهین می‌کند. و پس از این ابراز مخالفت قهرمانانه به دستشویی رفته، ریش و سبیل مقدس را تراشیده، با یک مقنعه آبی‌رنگ و یک چادرسیاه - از همان چادرهای پفیوزی که ضمن پنهان کردن مینی ژوپ زهره کاظمی‌ها آنان را به «زهرارهنورد» روشنفکر و فرهیخته و غیره تبدیل می‌کند، هنگام خروج از دانشگاه توسط مأموران دستگیر می‌شود! البته برای ما عجیب این است که این فرد اصلاً توانسته به دانشگاه وارد شود! اگر خبر حناز چوبه را بپذیریم، دانشجوی سابق منطقاً نمی‌بایست بتواند وارد دانشگاه شود چرا که باز هم به ادعای رسانه‌های جمکران، روز مقدس «۱۶ آذر» دانشجویان می‌بایست به «کارت آبی‌رنگ» مجهز می‌شدند تا بتوانند به «صحن مقدس» وارد شوند! باری، ما در نظم و ترتیب گورکن‌ها حیران‌ایم! شاید «میم‌ته» از آسمان به درون حرم مقدس دانشگاه افتاده باشد! بگذریم!

آنچه اهمیت دارد «پفیوزمنشی» ایشان است. این فرد می‌داند که توهین به مقامات حکومت اسلامی، توهین به

مقدسات به شمار می‌رود. او می‌داند که مطالبات ملت ایران هیچ ارتباطی با «جنگ زرگری» آبنگل‌ها ندارد، و برای ما هیچ تفاوتی ندارد که «کله پز برخیزد و سگ به جایش بنشیند.» میم‌ته همچنین می‌داند، طبق قوانین حکومت اسلامی موضوع «انتخابات» به پایان رسیده و مدعیان «تقلب»، فقط شایعه تقلب را در برابر «مردم» مطرح کردند؛ و به فرض اگر تقلبی هم صورت گرفته باشد، این تقلب هرگز به اثبات نرسیده، در نتیجه نمی‌توان هم در قلب این حکومت نشست و هم نتایج انتخابات همین حکومت را به زیر سؤال برد.

روشن‌تر بگوئیم، زمانیکه حاکمیت آمریکا اعلام داشت ۸۵ درصد جمعیت واجد شرایط ایران در این نمایشات مهوع شرکت کرده‌اند، در واقع به نوکران‌اش در جمکران تفهیم کرد، تکلیف «انتخابات» را در همان دور نخست روشن کنند! برای دستیابی به نتیجه مطلوب، حدود یک هفته دست محفل «خط‌امام» را باز گذاشتند، متأسفانه مطالبات معترضین هیچگونه هم‌سوئی با «خط‌امام» نداشت، اینجا بود که «رهبر» عظیم‌الشان جمکران را برای «تأکید بر قانون» و سرکوب مخالفان به زمین چمن دانشگاه ارسال کردند! نتیجه این ماجرای تأسفبار همچنانکه گفتیم گشودن یک جبهه کاذب «حق و باطل» برای پرکردن جیب ارباب بود. از آنجمله است ملاخور شدن بیش از یک‌ونیم میلیارد دلار از ذخائر ارزی ما در لندن در سایه جنجال و هیاهوی موسوی و کروبی و اوباش مخالف‌نما از قماش «میم‌ته». اوباشی که وظیفه‌شان همچون حکومت



اسلامی «ساختارشکنی» است. با این تفاوت که حوزه فعالیت «میم‌ته» در «دانشگاه» و حوزه فعالیت حکومت اسلامی در کشور و در عرصه بین‌المللی است.

«میم‌ته» با خروج از جایگاه واقعی خود - دانشجوی اخراجی - و اسباب‌کشی به جایگاه دانشجو، وارد دانشگاه شده، قانون‌شکنی می‌کند، سپس برای گریز از پیامد گفتار و رفتار خود نه تنها تغییر چهره، که تغییر «جنسیت» هم می‌دهد. به عبارت دیگر ایشان، برای عدم پاسخگویی، نه تنها ریش مقدس را می‌تراشند که خود را به شکل زنان هم در می‌آورند! این عمل را «اوج ساختارشکنی» می‌دانیم. میم‌ته با ورود به دانشگاه، و هتاکی به مقامات حکومت، نه تنها آگاهانه مرزشکنی می‌کند، که برای «گریز» از پیامد اعمالش «حریم فردی» خود را نیز در هم می‌شکند. وی برای فرار خود را به شکل زنان در آورده، جنسیت خود را نیز پنهان می‌کند، چرا که شهامت ندارد. رفتار میم‌ته، بازتاب حقارت و ذلت و هراس «بندگان خوب» خداوند در یک «حکومت الهی» است. آنجا که فریب، پنهان‌کاری و خودانکاری «انسان» را از انسانی‌ات تهی کرده، و به یک «صورتک» تبدیل می‌کند. این است نتیجه تخریب انسان در حکومت مقدس. آنگلو ساکسون‌ها همین شیوه مقدس را در حوزه نفوذ اقتصادی خود اعمال می‌کنند، آنجا که جهت نابودی ملت‌ها «ساختار دولت» به صورتک استعمار تبدیل می‌شود.

شیوه تخریب یا «ساختار شکنی» بر تمامی کشورهای حوزه دلار حاکم شده. در منطقه اروپای غربی و مرکزی این شیوه به صور متفاوت بر ضد ساختارها و نظم اجتماعی از طریق سوءاستفاده مزورانه از ابزار

دمکراتیک اعمال می‌شود: آزادی بیان رسانه‌ای در سوئد، بحث آزاد در انگلستان، برپائی فراندوم در سوئیس، و جنجال رسانه‌ای در اروپا پیرامون فراندوم کذا. اما در منطقه خاورمیانه روند مقدس ساختارشکنی در چارچوب نشخوار پروپاگاندا انسان‌ستیز غرب، تداوم «بحران»، ایجاد «آشوب»، «بمبگذاری» و «ترور» در ایران، ترکیه، عراق، پاکستان و افغانستان تجلی می‌کند. کشورهای هند، چین و روسیه را از این بحث کنار می‌گذاریم چرا که «ساختار دولت» در سه کشور مذکور پوشالی و دست‌نشانده استعمار نیست. باری در راستای چنین سیاستی است که آنگلو ساکسون‌ها اختلافات خود را در عراق حل می‌کنند.

پس از بمب‌گذاری «قهرمانانه» در یک دبیرستان بغداد، و قتل شش تن از شبه‌نظامیان که بر ضد القاعده می‌جنگیدند، مجلس عراق متوجه شد که قانون انتخابات باید هر چه زودتر به تصویب برسد، آنهم به صورتی که معاون نوری‌المالکی نتواند با توسل به اختیارات قانونی خود از تصویب «قانون» پیشنهادی جیره‌خواران شیعی مسلک انگلستان ممانعت به عمل آورد. روز گذشته این قانون با اکثریت «مطلوب» به تصویب رسید. پیامد آنهم ۵ انفجار در مراکز دولتی بغداد بود که تاکنون ۱۲۰ کشته و حدود ۵۰۰ زخمی برجای گذاشته. امروز همچنین وزیرای دفاع آنگلو ساکسون‌های دو سوی آتلانتیک، البته «طبق



معمول» به طور کاملاً «غیرمنتظره» وارد افغانستان شدند و از حمید کرزای، رئیس طالبان خواستند «امنیت»، «آزادی»، «دمکراسی» و خلاصه شرایطی که منافع پنهان اشغالگران را تهدید می‌کند، هر چه سریع‌تر در کشور برقرار کرده، ریشه فساد را هم از جا برکنند!

حمید کرزای هم گفت، شما امر بفرمائید، کیه که اجرا کنه. بعد هم اضافه کرد، ما در کمال استقلال و آزادی در راه تأمین منافع شما عزیزان «ایستاده» و آماده شهادت‌ایم. و اصولاً، «سر که نه در راه عزیزان بود، بار گرانی است کشیدن به دوش.» اتفاقاً یکی از همان شاهدان «عینی» در مورد میرحسین موسوی، جلال جمکران، روایت می‌کند که همین امروز، اسپار تاکوس چاه جمکران آمادگی خود را برای «شهادت» ابراز داشته! البته ما حضور آن شاهد عینی نابینا بگوئیم که میرحسین موسوی، حتی در جوانی هم شهادت حرف زدن و موضع‌گیری صریح نداشت، حال شما بینوایان پس از سی سال می‌خواهید این مزدور جنایتکار و کودتاچی را به عنوان «رهبر آزادیخواه» به ما بفروشید، چون ادعا کرده در مسابقه مارگیری سال ۱۳۸۸، «تقلب» شده؟ مسلم است که تقلب شده، همیشه تقلب شده، خود موسوی از پیشگامان تقلب بود. مگر همین موسوی خامنه‌ای را با ۹۰ درصد آراء از صندوق مارگیری بیرون نمی‌کشید؟ نخستین بار است که تقلب می‌شود؟ به هیچ عنوان. ولی در «انتخابات» تقلب نشده، در یک معرکه‌گیری استعماری شاهد تقلب بودیم، آنهم از سوی متقلبی به نام میرحسین موسوی!

در این چارچوب، در زمینه «هنری»، البته همان «هنر» مورد تأیید سازمان سیا، «مایکل مور» هم یک نامه سرگشاده به اوپاما نوشته، خواهان پایان دادن به جنگ می‌شود. مایکل مور، از پامبری‌های حزب دین‌پرور و ابتدال‌گستر «دمکرات» در ینگه دنیاست که به عنوان «مستندساز» به شوت‌وپرت‌ها حقه شده. مستندهای مایکل مور شباهت عجیبی به «سیاست» گورکن‌ها دارد که چون «عین دیانت‌شان» است هیچ ارتباطی با واقعیات مادی برقرار نمی‌کند! مستندهای مایکل مور نیز در واقع نوعی از انواع «بی‌بی‌گوزک» است! به همین دلیل در فستیوال کن، یک جایزه به فیلم ایشان تعلق گرفت، حال آنکه طبق مقررات این فستیوال فیلم‌های مستند هرگز در بخش «مسابقه» به نمایش در نمی‌آید! ولی زمانیکه ساختارشکنی در دستور کار سازمان ناتو قرار گیرد، و هم‌قبیله‌ای «مور» در جایگاه ریاست فستیوال کن لنگر انداخته باشد، به سادگی می‌توان مقررات را زیر پا گذاشت.

گفتیم که سیاست‌های ناتو ابتدا در چارچوب «فرهنگی» به صورت فیلم، رمان و ... به ملت‌های جهان حقه می‌شود، سپس به صورت «چماق» بر فرق ملت‌های جهان سوم فرود می‌آید. در راستای همین پروپاگاندا انسان‌ستیز است که «مایکل مور» به اوپاما «نامه» می‌نویسد تا به شوت‌وپرت‌های «دهکده جهانی» چنین وانمود کند که تصمیم برای شروع و ادامه جنگ نه با صاحبان صنایع نظامی



و نمایندگان‌شان در پنتاگون، که با «رئیس‌جمهور» انتخابی است! حال آنکه در واقع جز این است. پیشتر با تکیه بر «فرهنگ رضایت‌طلبی»، یکی از آثار مهم «جان کنت گالبرایت» به ساختار «خودمختار» و «غیر دمکراتیک» نظامی در ایالات متحد اشاره کرده‌ایم، همچنین با تکیه بر آثار هاوارد زین و چامسکی به کرات گفته‌ایم، سیاست خارجی آمریکا یعنی «جنگ»، و تصمیم در مورد جنگ هم با پنتاگون، فرمانده ارتش ناتوست. اما جالب اینجاست که نامه مضحک مایکل مور به اوپاما این امر را «واژگونه» می‌نمایاند و به ما می‌گوید، اوپاما قادر است به جنگ پایان بخشد. به همین دلیل است که نامه پامنبری حزب دمکرات در هم‌سوئی کامل با سخنان «ران پال»، سناتور جمهوریخواه تگزاس قرار گرفته.

مستر «پال»، برای اثبات نیت «خیر» خود در مخالفت با جنگ، بخشی از مطالب «فرهنگ رضایت‌طلبی» را از قلم شیوای خود بیان فرموده‌اند! دلیل هم‌صدائی یک هوچی حزب دمکرات با یک سناتور جمهوریخواه تگزاس چیست؟ این نیز همان مرزشکنی است. هم مایکل مور، هم سناتور «پال» از جایگاه اجتماعی خود، یعنی مستندساز و قانون‌گزار خارج شده به تبلیغات سیاسی روی آورده‌اند، اینهمه با یک هدف مشخص: رها کردن افغانستان در هرج و مرج جهت تهدید و باج‌گیری در کل منطقه! در واقع گاوچران‌ها با اطمینان از کارائی شبکه‌های قاچاق انسان، کالا و مواد مخدر که در عربستان، دوبی، پاکستان، ایران و افغانستان مستقر کرده‌اند خود را در موضع قدرت می‌بینند. اینان می‌پندارند زمان آن رسیده که با شعار «صلح» از صحنه فرار کنند. نتیجه فرار یانکی‌ها از عراق و افغانستان چه خواهد بود؟ تعلیق روند صلح در فلسطین، و ایجاد حاشیة امن برای اسرائیل، گسترش آشوب به ایران، عربستان، کویت و... جهت چپاول بیشتر و نهایتاً باجگیری از چین، هند و روسیه.

این است دلیل مخالفت مایکل مور و سناتور پال با جنگ! در واقع هدف ایالات متحد، گسترش چپاول از طریق ایجاد «اتحاد جماهیر آشوب» است. ولی مطالبات گاوچران‌های پلید در قالب عوامفریبانه «مخالفت با جنگ» بیان می‌شود. روشن‌تر بگوئیم برای فروختن کالای «صلح»، مایکل مور و سناتور پال، با یک جهش از جایگاه واقعی خود خارج شده، در «سنگر حق» نشسته‌اند. اولی انگشت اتهام را به سوی اوپاما گرفته، و دومی با استناد بر سخنان «آیزنهاور» صاحبان صنایع نظامی را در برابر «مردم» یعنی در رسانه‌ها، به ادامه جنگ متهم می‌کند. چه کسی با جنگ مخالف است؟ همه! صلح «حق» است و جنگ نیز باطل! اما برخلاف مهملات مایکل مور و برخلاف اظهارات خدایسندانه آن سناتور تگزاسی، خروج ایالات متحد از افغانستان منافع صاحبان صنایع نظامی را چند برابر خواهد کرد، بدون اینکه ارتش ناتو کوچکترین مسئولیتی در برابر مسائل منطقه داشته و پاسخگوی آشوب‌ها و سرکوب‌ها باشد. به این ترتیب ارتش ناتو در برابر صد میلیارد دلار درآمد سالانه از مواد مخدری که در افغانستان و پاکستان تولید می‌کند، گروه‌های تبهکار محلی را تجهیز خواهد کرد.

می‌بینیم که منافع چنین صلحی به مراتب از حضور نظامی بیشتر است. خلاصه کنیم پس از سی سال جهاد با «کفر» اکنون وضعیت منطقه چنان تنظیم شده که ارتش ناتو با کمال میل حاضر است شکست رسانه‌ای خود را در برابر قدرت عظیم «طالبان» بپذیرد! و هزاران



بی‌بی‌گوزک از شهامت و شجاعت «طالبان» یعنی نوکرانش در پاکستان و افغانستان برای مان نقل کند. همچنانکه تاکنون بی‌بی‌گوزک‌های ۲۲ بهمن و ۱۳ آبان و ۲۲ خرداد را برای مان بخوبی نقل کرده. باری سخنان گهربار سناتور «پال» این «مجاهد راه حق» باکد: ۸۳۰۶۳۴ در حناز چوبه مورخ ۱۷ آذرماه ۱۳۸۸ انتشار یافته تا بدانیم و آگاه باشیم که افراد خیرخواه و صلح طلب و انسان دوست و مخالف جنگ در افغانستان در جهان فراوانند و قصد دارند منطقه را تحت نظارت «حاکمیت مبهم» و پنهان شبکه‌های خرابکار قرار دهند. این شبکه‌ها دقیقاً همان عملکرد حکومت اسلامی جمکران را خواهند داشت: مزدوری برای آمریکا با شعار «نبرد با آمریکا!» به عبارت دیگر حکومت‌های کذا همچون «میم‌ته» کارشان نفس کش طلبی و هتاک‌ی است ولی هنگام پاسخگویی همچون «میم‌ته» با مقنعه و چادرسیاه پا به فرار خواهند گذارد.

باری حکایت مخالفت دروغین با جنگ به ینگه دنیا محدود نمی‌شود. آنگلو ساکسون‌های این سوی آب نیز مخالفت خود را با «جنگ عراق» مطرح می‌کنند! به استنباط ما انگلستان می‌خواهد از عراق خارج شود، چرا که گورکن‌ها، ترکیه و شیعیان عراق منافع‌اش را حفظ می‌کنند و آمریکا هم با اطمینان از گورکن‌ها و دولت پاکستان ترجیح می‌دهد از افغانستان فرار کند. به این ترتیب خارج از چین و هند، روسیه از دو سو مورد تهدید قرار خواهد گرفت: ایران و افغانستان. رقابت لاشخورها و کفتارها برسر طعمه بسیار «طبیعی» است، و رقابتی است غریزی و الهی.

امروز شبکه «الجزیره» به نقل از «جان سکارلت»، یکی از «نخبگان» حکومت انگلستان که لقب «سر» هم دارند اعلام داشت، در ماه مارس ۲۰۰۳، صدام حسین تمام موشک‌هایی که می‌توانست اسرائیل را هدف قرار دهد نابود کرده بود! به عبارت دیگر تهاجم نظامی به عراق هیچ دلیل موجهی نداشته! بلکه یک نفر دیگر هم خود را در جبهه «حق» قرارداد، منتهی

این «حق» همان باطل دیروزی است که جرج بوش به آن اشاره می‌کرد! جرج بوش انگشت اتهام را به سوی صدام حسین گرفته بود، و خداوند یعنی افکار عمومی و «مردم» نیز در جبهه پر برکت «حق» یک مبل راحت برای‌اش تعبیه کردند تا روی زمین ننشینند! امروز هم دیگران برای اسباب‌کشی به جبهه حق نوین، «باطل» گذشته را حق می‌نامند. اما «سر سکارلت» توضیح نمی‌دهند که طی سال‌های اخیر از کدام سنگر تغذیه می‌کرده‌اند که صدای دلنشین‌شان را نمی‌شنیدیم! یادآور شویم تهاجم وحشیانه آنگلو ساکسون‌ها به خاک عراق از تاریخ ۲۰ مارس ۲۰۰۳ آغاز شد. حال که با معجزات ساختار شکنی و فواید جبهه حق و باطل بهتر آشنا شدیم مروری داشته باشیم بر عملکرد «میم‌ته».

ایشان ابتدا در جایگاه «دانشجو» قرار می‌گیرند، جایگاهی که به دلیل بی‌بی‌گوزک «۱۶ آذر» جایگاهی است «مقدس» و همواره برحق! به محض اینکه دانشجو باشید تمام مخالفان شما در سنگر کفر قرار می‌گیرند و امروز هم «دانشجو» مخالف حکومت معرفی می‌شود! پس دانشجو «حق» دارد، حتی اگر حق نداشته باشد! و «میم‌ته» به عنوان دانشجو در جبهه خدا نشسته، ولی از آنجا که در واقع دانشجو هم نیست، از نظر سرداران جمکران در سنگر شیطان است، به همین دلیل خود را به شکل زن درآورده! به یاد داریم که در اسطوره‌های ادیان سامی زن همدست شیطان است! «میم‌ته» هم با توهین به مقامات رسمی حکومت مقدس همچون «حوا» خود را در کنار شیطان قرار می‌دهد. جایگاه زن در اسطوره‌های ادیان ابراهیمی



چیست؟ جایگاه برده! «میم‌ته» هم خود را در چنین جایگاهی می‌بیند در غیراینصورت بجای تغییر جنسیت ظاهری و فرار پای «حرف حق» خود می‌ایستاد. مگر همین اوباش‌الله شعار نمی‌دهد که «می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد؟» پس چرا به هر ذلتی تن می‌دهد؟ پاسخ روشن است، امثال «میم‌ته» کارشان تخریب انسان است، و این تخریب را در نخستین مرحله بر شخص خود اعمال می‌کنند، تا الگوی فریب، رذالت و ترس و پفیوزی برای دیگران باشند. باید بگوئیم «طاعون سبز» در پیشبرد چنین اهدافی بسیار موفق بوده. و باعث ارتقاء مرتبه میم‌ته‌های دو سوی آتلانتیک نیز شده.

امروز میلی‌بند و یان کلی حکومت نوکران در جمکران را برای سرکوب بیش از حد مخالفان سرزنش فرموده‌اند! البته اینان نیازی به مقنعه و چادر سیاه ندارند، دهه‌هاست که چادر «حقوق بشر» و مقنعه «عفو بین‌الملل» بر سر کرده، به همین دلیل در افکار عمومی جهان در سنگر حق نشسته‌اند! خادمان‌شان نیز، در جمکران با تکیه بر «حق الهی» در «سنگر حق» به دفاع از منافع اربابان خود در لندن و واشنگتن مشغول‌اند. بنابراین هیچ جای تعجب نیست که حامیان واقعی حکومت جمکران امروز مزورانه خود را مدافع «حق» ما ملت معرفی کنند! مزدوران‌شان در همین سنگر مقدس، ضمن جنگ زرگری با یکدیگر به سرکوب ایرانیان مشغول‌اند. اما در غرب هیچ رسانه‌ای پشتیبانی انگلوساکسون‌ها از «فاشیست - مسلمان‌ها» را مطرح نمی‌کند، چرا که اینان نیز همچون میم‌ته

خود را در جایگاه «غیر» قرار داده‌اند. این است دلیل انتشار آن مقاله «تحقیقی» پیرامون اثر «ماتیاس کونتزل» در سایت «بی‌بی‌سی»!

رسانه حاکمیت انگلستان می‌خواهد این دروغ بزرگ را به ما حقه کند که، «تبلیغات اسلامی» به نفع هیتلر در ایران کار شبکه تبلیغاتی آلمان نازی بوده و کارخانه رجاله‌پروری هیچ دخالتی در این امر نداشته! حال آنکه پیش از جنگ دوم جهانی، سفارت انگلستان از طریق دستاربندان به شایعه پراکنی و تبلیغ مقدسات مشغول بوده، و با تکیه بر همین شایعات اوباش را به عنوان «مردم» روانه خیابان‌ها کرده. باید از اهالی بی‌بی‌سی پرسید، فتوی میرزای شیرازی از تبلیغات «گوبلز» سرچشمه می‌گرفت یا از شایعات سفارت انگلستان؟ تخریب و ترور مبارزان صدرمشروطه کار هیتلر بود، یا نتیجه توطئه انگلستان؟ کودتای کلنل آیرون‌ساید را آلمان‌ها سازمان دادند یا پس از کودتا، انگلستان از آلمان نازی به عنوان «چادر سیاه» حاکمیت بریتانیا استفاده کرد؟ مستشاران نظامی آلمان با حمایت کدام دولت‌ها در مناطق شمالی ایران و در مرز اتحاد جماهیر شوروی به دنبال مخازن سوخت بودند؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها فقط کافی است نگاهی به عملکرد «میم‌ته» بیاندازیم!

